



و آخرین اخبار در حوزه سلامت به مردم ارائه می‌شود. در برنامه امروز به موضوع رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در مبارزه با کرونا می‌پردازیم. همچنین در آیتم سرچراغی نکاتی درباره سلامت معنوی گفته می‌شود و در بخش سلام روستا در قالب گفت‌وگو با مردم روستا درباره سلامت‌شان صحبت می‌کنیم.

به تهیه‌کنندگی من و مسعود حسنی هر روز از رادیو سلامت پخش می‌شود، یک جنگ شاد صبحگاهی است و تلاش کرده‌ایم در قالب بخش‌های متنوع یک بسته شاد صبحگاهی را آماده کنیم و به سمع مردم برسانیم. وی ادامه می‌دهد: این برنامه هر روز از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ۸ صبح از رادیو سلامت پخش می‌شود

## هر روز با رادیو به زندگی سلام کن

برنامه به زندگی سلام کن در قالب یک جنگ شاد صبحگاهی هر روز پخش می‌شود و این برنامه به معرفی صبحانه‌های محلی روستاهای مختلف اقصی نقاط ایران می‌پردازد. به گزارش روابط عمومی رادیو سلامت، موسی نظری، تهیه‌کننده برنامه به زندگی سلام کن در این باره توضیح می‌دهد: این برنامه صبحگاهی که

## دیر دوبلاژ، گوینده و نویسنده‌ای که سربه گویندگی دارد

# کتور صدا



اکبر معانی در ۱۷ سالگی همچنان گویندگی نقش‌های خاصی را به عهده دارد عکس: عارف طاهری کتار

ایمن که فرم خاصی از هوشمندی و زیرکی را در او نشان می‌داد، در سریال‌های معمایی می‌افتید. اش می‌گفت: «من هرکول پوآرو هستم!» و بعد وارد مرموزترین قتل‌ها و معماهای کارآگاهی دنیا ش‌شرق»، «در میان رود نیل» یا «لندن»، او با چهره‌های مهربان و استفاده از چند کلمه فرانسوی را شروع می‌کرد و آن وقت همه چیز تمام بود، دیگر قاتل راهی برای فرار نداشت. مسلمانا اگر این نمی‌شد و آن فرد کسی نیست جز اکبر معانی که بیشتر مردم صدای او را بیشتر با نقش هرکول او و گوینده‌ای است که به شخصیت کارتون‌ی زیل خان بی‌کلام، روح و صدایی جدید بخشید، لحن و صدای ویژه جان دالتون را در مجموعه لوک خوش شانس و شخصیت شل و وا رفته لورل را در همه زندگی‌اش را در راه هنر گذاشته به شخصیت‌های متفاوت خا‌ری در فیلم‌ها، سریال‌ها و دوبله و گویندگی فعالیت داشته است. او گوینده شخصیت‌های لفللی و خان عمو هم در برنامه او واژه اولین‌ها را در دنیای هنر از آن خودش کرده است. او اولین گوینده‌ای است که کلاس‌های کتاب برای گویندگی نوشت، او در این کتاب که سال‌ها نگارش آن طول کشید درباره چگونگی، ماندگارش، فن بیان و گویندگی در صداوسیما، الفبای فن بیان (گویندگی، دوبله و گزارشگری) را ی به درخواست ما برای گفت‌وگو پاسخ مثبت می‌دهد و برای ساعتی در روزنامه جام جم حاضر



اگر بخواهیم مثل خود او غلط بگوییم خوب نیست. به خاطر همین شکل درست تکیه‌کلام‌های او را مدام تکرار می‌کردم. مثلاً هر قسمت چند بار از اصطلاح «مونامی» استفاده می‌کرد که به معنای دوست من (Mon ami) بود. یا می‌گفت ژو نسیا یعنی من نمی‌دانم (Je ne sais pas) همه این واژه‌ها را دیوید سوشه فرانسه می‌گفت و ما هم در سریال فرانسه می‌گفتیم و معنی نمی‌کردیم. به هر حال من سعی کردم از شخصیت داستانی او یک تیپ درست کنم. البته باید خاطره‌ای دیگر هم برایتان تعریف کنم و این‌که من دیوید سوشه را هم دیدم. او را در جایی در تالار نمایش دیدم. خیزنگاری من را به او معرفی کرد. اوایل پخش این مجموعه در ایران بود. در دیداری که با او داشتم برایش توضیح دادم گوینده او در ایران بودم. البته او ایران را نمی‌شناخت اما برایش جالب بود.

## لا‌قه ندارند

۹۰ درصد وقتی من سوار ماشین می‌شوم، مردم متوجه می‌شوند گوینده هستم و به من ابراز علاقه می‌کنند. همچنین برای انجام یک عمل بیمارستان رفته بودم. وقتی دکتر متوجه شد من گوینده پوآرو، زیل خان و... هستم، خیلی ابراز خوشحالی کرد و خطاب به من گفت تمام دوران کودکی‌اش زنده شد. این رفتار مردم برایم حس خوب به همراه دارد و به عشق مردم همچنان کار می‌کنم. البته در حال حاضر دیگر مدیر دوبلاژی نمی‌کنم و هر از گاهی گویندگی فیلم‌های خاص را می‌کنم یا اگر انیمیشنی مثل شکرستان باشد حتما صحبت می‌کنم. اتفاقا برای گویندگی شکرستان هم بارها حضور داشتم و حرف زدم.

## برگزاری اولین کلاس گویندگی

اولین کلاس گویندگی در اوایل انقلاب را در زیباکنار برگزار کردم. این کلاس با بیش از ۱۲۰ و ۱۳۰ هنرجو که همه از مدپران و روسا هستند، برگزار شد. کلاس‌های گویندگی را بیشتر در مکان‌های دولتی برپا می‌کنم و جای خصوصی را دوست ندارم. اعتقاد دارم دوبله را باید در استودیو یاد گرفت. من ادعا می‌کنم ۵۰۰۰ - ۴۰۰۰ نقش را دوبله کرده‌ام و می‌بینم برخی یک نقش را گفته‌اند، از او تعریف کرده‌اند و چقدر آن فرد عوض شده است درحالی‌که حرفه ما این است و نباید فکر کنی در جای بالایی قرار داری. این مساله من را عذاب می‌دهد و نمی‌توانم تحمل کنم به دلیل این‌که همه مردم در یک سطح هستیم. ای‌کاش دانشگاه‌های ما یکی از واحدهای درسی خود را گویندگی قرار می‌داد.

گویندگی هنر ظریفی است و به نظرم والاترین هنرهاست. گوینده خوب بودن به این سادگی‌ها نیست.

به نظرم برخی گویندگان ما گوینده نیستند بلکه رهگذرانی بودند که اتفاقی گوینده شده‌اند. زمانی که یک گوینده درست، کامل و سالم حرف بزند و در بیان مشکل نداشته باشد قابل پذیرش است. برای مثال اگر گوینده‌ای با بیان خوب درباره مالیات حرف بزند، فردی که مالیات دادن برایش مشکل است هم حاضر است مالیات دهد اما درحال حاضر این مسائل را نمی‌بینم. گاهی شاهد هستیم برخی گویندگان رادیو و تلویزیون این جمله «اینجا تهران است صدای جمهوری اسلامی ایران» را نمی‌توانند درست بگویند و نون کلمه ایران را نمی‌گویند. هدف گویندگی این است که من بتوانم پیامی را از یک یا چند نفر به یک یا چند نفر دیگر برسانم به گونه‌ای که موثر باشد.

## هر تیپ، ۵ تومان جریمه!

گویندگی برای زندگی مفید است؛ به دلیل این‌که وقتی خوب حرف بزنی همه جا جاداری. بیان خوب، شما را جلوتر می‌برد و به اوج می‌رساند. ما نیاز داریم کلاس گویندگی وجود داشته باشد اما باید هدف فرد مشخص باشد. امیدوارم در دبستان‌ها این کلاس‌ها باشد. گویندگی یعنی جنگ با توپ، تانک، مسلسل و بمب‌اتم. یک گوینده باید قوی و سلاح‌های مختلف داشته باشد تا از پس آنها برآید و باید همه‌گونه مخاطب را در نظر بگیرد و با اسلحه‌ای مانند بیان خوب همه را راضی کند. برای گویندگی خوب فقط علاقه کافی نیست، حتما باید ذوق و شوق این کار را داشته باشید. من از بچگی دنبال گویندگی بودم. وقتی مدرسه می‌رفتم مرتب تقلید صدا می‌کردم و در نمایش‌ها از من استفاده می‌شد.

معلومات، خیلی در گویندگی موثر است. بنابراین باید گوینده با ادبیات فارسی آشنایی داشته باشد. به یاد دارم در آن زمان ما اگر تیپ می‌زدیم به‌ازای هر تیپ، پنج تومان از حقوق مان کم می‌شد. در آن زمان حقوق من ۷۰۰ تومان بود. گوینده حق نداشت تیپ بزند. از سوی دیگر گوینده باید اعتمادبه‌نفس زیادی داشته باشد. به یاد دارم یک خبر را باید می‌خواندم که در خبر مربوط باید یک نام روسی را می‌گفتم. طبیعی است روسی بلد نبودم اما به قدری باطمینان این کلمه را خواندم که مدیر وقت خبر بعد از کارم برگشت به من گفت چقدر خوب زبان روسی بلد هستی. در حالی که من اصلا زبان روسی نمی‌دانستم و فقط به اطلاعات و دانش خودم اتکا کردم. به همین دلیل تاکید می‌کنم گوینده باید هم اعتماد به نفس داشته باشد و هم این‌که ریزه‌کاری‌ها را در طول کار یاد بگیرد. در ضمن گوینده باید ماه‌ها کلاس برود و تمرین زیاد داشته باشد تا بتواند درست حرف زدن را یاد بگیرد و بعد در کار استفاده کند.

## بیش از ۵۰ هزار ساعت فیلم حرف زدم



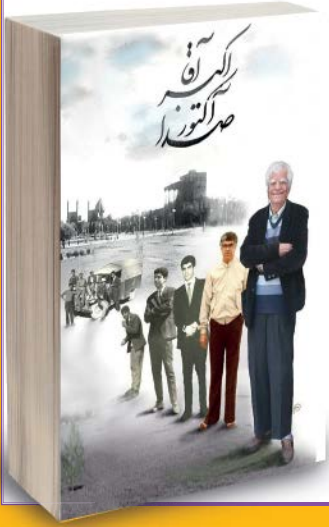
قبل از انقلاب زنده‌یاد آقای عباسی به جای نقش لورل صحبت می‌کرد که انصافا هم خیلی خوب صحبت می‌کرد. زنده‌یاد عزت... مقبلی هم به جای هاردی حرف می‌زد. بعد از فوت آقای عباسی خیلی‌ها به جای لورل حرف زدند اما در نمی‌آمد. تا این‌که زنده‌یاد مقبلی به من پیشنهاد داد، چون قبل از انقلاب من در یک کارتون به نام عصر حجر صحبت می‌کردم که صدایم شبیه لورل بود. به همین دلیل از من خواستند به جای لورل صحبت کنم که بعد از کار آقای مقبلی خیلی پسندید. مدتی هم کنار زنده‌یاد اصغر افضلی نقش‌های لورل و هاردی را حرف می‌زدیم. در مجموع باید اشاره کنم بیش از ۵۰ هزار ساعت فیلم حرف زدم. همچنین در بیش از ۱۰۰ اسریرال هم گویندگی داشتم.

## پول بلیت اتوبوس را هم نداشتم

من در دانشگاه تهران کارگردانی قبول شدم و با اکبر زنجانی‌پور هم‌کلاس بودم اما اواخر ترم‌های دانشگاه که شاگرد اول هم بودم، متأسفانه مجبور شدم دانشگاه را رها کنم. البته بیشتر زنده‌یاد نودری اصرار داشت به جای دانشگاه در استودیو حضور داشته باشم. از سوی دیگر، کارم هم خیلی زیاد بود و هم باید در رادیو می‌بودم و هم در استودیوی دوبله. به همین دلیل خیلی سرم شلوغ بود و یک ترم مانده بود که درس را تمام کنم، دانشگاه را رها کردم.

خاطره‌ای هم از دانشگاه دارم و این‌که چون شب و روز کار می‌کردم، فرصت نمی‌کردم بخواهم برای همین در دانشگاه خوابم می‌گرفت. یک استاد بزرگی داشتیم که او همان ابتدای کلاس چون صدایم شاخص بود من را می‌برد جلو و می‌گفت یک کنفرانس بدهم که خوابم ببرد. در مجموع قبل از انقلاب به جای نقش‌های زیادی در سریال‌ها حرف زدم. دوبله سریال «روزهای زندگی» که حدود ۱۷ سال طول کشید را انجام دادم. دوبله بالاتر از خطر، پیشنانازان فضا، فراری، کهکشان و والت دیزنی چند سال طول کشید و جز استودیو کاسپین در جای دیگری هم فعالیت داشتم. یکی دو سال قبل از انقلاب، استودیو کاسپین بسته شد اما من باز هم سریال‌های تلویزیونی را دوبله کردم. بعد از انقلاب هم کار دوبله خود را ادامه دادم و در رادیو اولین برنامه بامدادی را اجرا کردم. بعد از انقلاب هم به جای خیلی نقش‌ها صحبت کردم که میان مردم ماندگار شده از هرکول پوآرو گرفته تا زیل خان و... در مجموع در همه این سال‌ها به کارم خیلی بها دادم و همین باعث شده کمتر به خانواده‌ام رسیدگی کنم. خاطره‌ای از نوشتن کتابم دارم که بد نیست برایتان تعریف کنم. سال ۱۳۴۴ سندی‌کای دوبله تشکیل شد.

در آن مقطع زمانی خیلی‌ها به فکر نوشتن کتاب درباره دوبله بودند. البته آنها‌که دستی به قلم داشتند، به این کار علاقه‌مند بودند. تا این‌که من بدون آن‌که از کسی سفارش بگیرم این را انجام دادم که بعد از چاپ، زنده‌یاد عطاء... کاملی به من گفت چه کار بزرگی کردم. من برای نوشتن کتاب نه پول گرفتم و نه به شهرت آن فکر کردم. بلکه فقط می‌خواستم تاریخ دوبله را بنویسم. البته کتاب‌های دیگری هم نوشتم. در مجموع در همه این سال‌ها با عشق کار می‌کردم. به یاد دارم اتوبوس یک قرون بود، اما همین هم پولش را نداشتیم پیاده مسیر را می‌رفتیم. با این‌که خیلی خسته می‌شدم، اما فقط دلم می‌خواست کارم را درست انجام بدهم و همیشه برای کارم زحمت کشیده‌ام.



## برای کارمان ارزش قائل شویم

گوینده باید از خود بازیگری که نقش را بازی کرده الهام بگیرد. من هم همیشه این کار را انجام می‌دهم. اما الان باید بگویم که متأسفانه گاهی شاهد هستیم جوانان خیلی سریع کارشان را انجام می‌دهند و می‌روند. در واقع خیلی متمرکز در کار نمی‌شوند. البته شرایط اقتصادی الان با گذشته خیلی فرق کرده و همه می‌خواهند فیلم بیشتری دوبله کنند تا درآمد مناسب‌تر داشته باشند. به همین دلیل یک فیلم طرف یک روز دوبله می‌شود. درحالی‌که ما در گذشته برای دوبله یک فیلم از یک هفته تا ۲۰ روز زمان می‌گذاشتیم. اما با همه این موضوعات معتقدم گوینده باید برای کارش ارزش قائل شود، چون همه افشار در تمام رده‌های سنی و موقعیتی ببینده کار او هستند و باید کار درست تحویل داد که مردم پسند باشد. در آن زمان من که گوینده شده بودم

دوره‌های متفاوتی را طی کرده بودم، حتی مدتی هم در انگلیس دوره گویندگی دیده بودم. گوینده باید کلمات را درست ادا کند، حالا برخی سین‌شین می‌زنند و این را مد می‌دانند. درحالی‌که این‌طور نیست و گوینده باید ۳۲ حرف الفبا را درست ادا کند. البته این قاعده فقط شامل حال گویندگان نمی‌شود و باید مجریان تلویزیون و گویندگان رادیو هم اصول درست صحبت کردن را رعایت کنند. گاهی شاهد اجراهای نامناسب هستم. درحالی‌که باید اجرای یک مجری جذاب باشد تا بیننده را به وجد بیاورد. ضمن این‌که زبان معیار در گویندگی، تهرانی است و نباید با لهجه صحبت کرد. در مجموع من گویندگی را بالاترین شغل می‌دانم و باید یک گوینده، دوره‌های طولانی ببیند تا به کار اشراف پیدا کند با یک یا چند جلسه نمی‌شود. درست مثل یک پزشک متخصص که باید سال‌ها دوره تخصص ببیند. گویندگی هم این‌طور است. زیرا گویندگی ریزه‌کاری‌های بسیاری دارد که باید از قبل یاد گرفت و بعد برخی ریزه‌کاری‌ها را در کار آموزش دید. این روش یادگیری در گویندگی بسیار اهمیت دارد.



## یک گوینده عرب‌زبان من را گوینده کرد

من خاطرات زیادی دارم. دلیل این‌که من به گویندگی علاقه‌مند شدم، حضور یک گوینده عرب‌زبان بود. یادم نمی‌آید جنگ بین کدام کشورها بود اما داشتم به صحبت‌های یک گوینده عرب‌زبان درباره جنگ رخ داده می‌شنیدم. این گوینده با این‌که به عربی صحبت می‌کرد به حدی زیبا جنگ را توصیف می‌کرد که من را به هیجان آورد و حتی دلم می‌خواست بروم و بجنگم! گوینده باید این‌طور باشد. یعنی به گونه‌ای صحبت کند که مخاطب با شنیدن گویندگی او به وجد بیاید. این یعنی گویندگی. نسل جوانی که به گویندگی علاقه دارد باید جایگزین نسل قدیم شود به دلیل این‌که شبکه‌ها گسترده‌تر می‌شوند اما افرادی که تازه به این حرفه وارد شده‌اند می‌خواهند به سرعت نقش اصلی را بگیرند درحالی‌که این کار به صبر و حوصله نیاز دارد. صبر و حوصله، تمرین کردن و درست‌گفتن و صحبت‌کردن اساس کار است.

## گویندگی در دوبله به هر صدایی نیاز دارد



من اعتقاد دارم گویندگی در دوبله به هر صدایی نیاز دارد. اتفاقا نیاز نداریم صداهای خاص فقط وارد شوند. مگر از «انفر همه یک مدل و با یک تن صدا صحبت می‌کنند؛ طبیعی است پاسخ به این سوال منفی است؛ بنابراین ما به هر صدایی نیاز داریم. خدا بیامزد خسرو شکیبایی را، صدای او طرفداران زیادی داشت اما همیشه من می‌گفتم صدای

او برای گویندگی در دوبله مناسب نیست چون فقط یک صدا دارد و گوینده باید این هنر را داشته باشد که بتواند هر صدایی را خلق کند. حتی در رادیو و تلویزیون هم اعتقاد دارم گوینده باید صدای سالم داشته باشد نه این‌که صدایش خاص باشد. همیشه در کلاس‌هایم هم این مثال را می‌زنم اگر به یک جوی آب صاف نگاه کنید حتی صدای آب هم شما را آذیت نمی‌کند، چون صاف است و بدون هیچ چیز اضافه، صدای سالم هم این ویژگی را دارد که به مخاطبش آرامش بدهد.

## بازیگر سریال بالاتر از خطر، گریه کرد



من در سریال بالاتر از خطر به جای شخصیت اصلی سریال که نامش جیم بود، صحبت می‌کردم. به یاد دارم وقتی بازیگرش به ایران آمد، در مواجهه با من و وقتی بخش‌هایی از دوبله سریال را دید، از شدت خوشحالی گریه کرد و گفت باورش نمی‌شود که اینقدر کارش با یک زبان دیگر جذاب شده‌باشد. راستش یکی از دلایل موفقیتم را در پشتکارم می‌دانم، زیرا وقتی گویندگی شخصیتی را به من می‌دادند، کلی تحقیق می‌کردم و خوب می‌دیدم که چطور بتوانم به جای شخصیت صحبت کنم. خوب دیدن در گویندگی بسیار مهم است. وقتی ما خوب ببینیم درک بهتری هم از نقش خواهیم داشت. به یاد دارم وقتی قرار شد در یکی از فصل‌های سریال ۲۴ در نقش چارلز لوگان صحبت کنم، دیدم که او به دلیل این‌که لپش کمی بالاست، صدایش حالت اکویی در نسخه اصلی دارد. به همین دلیل وقتی هم می‌خواستم به جای این شخصیت در سریال صحبت کنم، لپم را به حالت نیشگون می‌گرفتم تا صدایم مثل هنرپیشه، نقش خاص و اکویی باشد.